

تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران

www.ketab.ir
تألیف: بهروز دودانگه



انتشارات کتابچه



- سرشناسه : دودانگه، بهروز، ۱۳۶۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران / تالیف بهروز دودانگه.
- مشخصات نشر : سندج: کتابچه، ۱۴۰۳.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۰ ص: جدول.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۷۱-۸
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : چاپ پارچه -- ایران
- IranTextile printing
- پارچه -- ایران -- طرح -- تاریخ
- Iran -- HistoryTextile design
- چشمکاری -- ایران
- Qalam - kan - Iran
- باتیک -- ایران
- Batik -- Iran
- ۶/۷۴۶TT : رده بندی کنگره
- ۶۲/۷۴۶ : رده بندی دیویی
- ۹۷۰۳۱۰۸ : شماره کتابشناسی ملی
- فیفا : اطلاعات رکورد
- کتابشناسی



www.ketab.ir

کتاب: تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران

تألیف: بهروز دودانگه

ناشر: انتشارات کتابچه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۴۰-۱۷۱-۸

ویراستاری: پوریا دودانگه

صفحه آرایي و جلد: شاهو احمدیان

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان

فهرست

مقدمه	۹
چاپ باتیک	۱۶
چاپ قلمکار	۱۸
انواع فنون چاپ سنتی صفوی	۲۶
کاربرد	۲۶
رنگ	۳۰
اساتید	۳۱
مراکز چاپ پارچه	۳۲
انواع قلمکار	۳۲
چاپ با قالب	۳۲
قلمکار زر یا اکلیلی	۳۴
قلمکار خمره ای	۳۷
قلمکار جیگرنات (قرمز - بنفش)	۳۷
قلمکار جیگرنات قرمز	۳۷
قلمکار جیگرنات بنفش	۴۱
قلمکار نقاشی	۴۲
قالب سازی و قالب تراشی	۴۳
انواع چوب مصرفی برای قالب	۴۴
مراحل ساخت قالب	۴۵
طبقه بندی طرحها و نقوش قالبها	۵۱
آشنایی با ابزار و وسایل کار قلمکار سازی	۵۳
چگونگی تولید قلمکار	۵۹
تهیه پارچه	۵۹
ریش تابی یا سردوزی	۵۹

آبخور کردن و دندان‌دانه دادن (مازو کردن) پارچه	۶۰
تفکیک رنگ	۶۱
تمهید مقدمات چاپ قلمکار	۶۲
انجام عملیات چاپ قلمکار	۶۳
چاپ رنگ مشکی	۶۳
چاپ رنگ قرمز و تهیه آن	۶۵
چاپ رنگ آبی (نیلی) و طرز تهیه آن	۶۹
درباره گازی یا شستن و آب دادن پارچه های قلمکار	۷۳
ثابت کردن رنگهای طبیعی و شیمیایی	۷۶
رنگرزی و ظاهر ثابت کردن رنگهای طبیعی	۷۶
فیکسه کردن رنگ های شیمیایی	۷۷
چگونگی تهیه انواع قلمکار	۷۷
طرز تهیه قلمکاری خمره ای و فرمول رنگهای آن	۷۷
چاپ رنگ مشکی	۷۸
چاپ رنگ قرمز	۸۰
موم کشی	۸۳
صبافی	۸۴
مهره کردن	۸۵
تفاوت گل زنی و چیت سازی	۸۷
انواع مختلف قلمکار و موارد استفاده از آنها	۸۸
توضیحاتی پیرامون دندان‌دانه و فرمول رنگهای قلمکار	۹۳
فرمول رنگهای سنتی قلمکار	۹۶

تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران

مقدمه

تاریخچه چاپ پارچه در ایران به دلیل ناقص مدارک و شواهد، مبهم است. فقط یک نویسنده اشاره می کند که این هنر در دوره ی سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ هجری قمری) وجود داشته است، که این اشاره بدون ارائه هیچ گونه مدرک و گواهی است.

البته دو نمونه پارچه ابریشمی با رنگ نقاشی شده از دوره ی سلجوقی وجود دارد که قابل مقایسه و مطابق با شیو های این دوره است و بر روی یکی از آنها یک رباعی فارسی و نام نقاش آن نوشته شده که اصالت آن را تأیید می کند و پارچه ابریشم دیگری مربوط به این دوره دارای تزیینات چاپ با قالب است.^۱ البته نه به معنای پارچه ی نقاشی شده و چاپی که امروزه در ایران به نام قلمکار معروف است، ولی مدرکی است برای وجود نقاشی روی پارچه در ایران مربوط به آن زمان. مطمئناً می توان گفت که این صنعت در سده یازدهم هجری در کارگاه های شهر های رشت، کاشان و اصفهان پایه گذاری شد و توسعه یافت. این شهر ها از مراکز عمده و اصلی این صنعت محسوب می شدند، در نخجوان نیز چنین پارچه هایی تولید می شد. علاوه بر این، در اوایل سده ی دوازدهم هجری در شهر های یزد و کاشان، نیز چنین پارچه هایی با کیفیت عالی تهیه می شد. در بروجرд نیز امروزه نمونه ی جالبی از این پارچه ها، متناسب با ویژگی ها سنت های محلی، به شکل زیبایی تهیه می شود. مشکل و سوالی که در مورد این پارچه ها وجود دارد، این

^۱ پارچه چاپ شده با قالب در واقع همان چاپ قلمکار است. این قالب ها معمولاً از چوب گلابی تهیه می شد که بعد از صیقل دادن چوب روی بیه مذاب می ریختند که بعد از آن چوب آماده کنده کاری می شد.

نیست که در کدام منطقه تولید می شدند، بلکه این است که چگونه تهیه می شدند. در مورد شیوه و فن تهیه ی پارچه هایی که از تولیدات ایرانی هستند و تعداد و قابل توجهی نیز از آنها وجود دارد، اشارات متناقضی وجود دارد. برخی گفته اند که نقوش روی این پارچه ها نقاشی شده است، و برخی دیگر اظهار داشته اند که نقوش به وسیله ی قالب روی پارچه چاپ شده است. مسلم این است که نقوش اکثراً به وسیله ی قالب چاپ شده است، چرا که این قالب ها در زمان های مختلف در ایران مورد استفاده بوده است. اما احتمالاً برخی از این پارچه ها صرفاً نقاشی شده است و گاه ترکیبی از دو شیوه هستند؛ یعنی نقاشی و چاپ با هم (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۴۶۴).

تشخیص وجود تمایز پارچه های نقاشی شده ایرانی از نمونه های هندی مشکل است، چون بیشتر نقوش و طرح های پارچه های هندی دارای منشأ ایرانی هستند؛ و به عبارتی دیگر نقوش و تزیینات این تولیدات هندی و موافق و قابل مقایسه با تولیدات کشور هایی است که به هند پارچه صادر می کردند، که ایران نیز از جمله ی این کشور ها بود. چند قطعه پارچه به این شیوه مربوط به سده ی یازدهم هجری وجود دارد که نمی توان آنها را منسوب به ایران دانست، چرا که تا حدی با پارچه های نخی منقوش هندی که اکثراً بزرگ و برای روتختی و پرده به کار می رفتند، متفاوت است. یکی از ویژگی های نقش پارچه های مذکور نقش درختی است که از زمینی تپه مانند روئیده و دارای نقوش گل و برگ نسبتاً بزرگی است. این موضوع تزیینی در سده ی یازدهم هجری وجود داشت و از این نظر یک موضوع مشترک است؛ البته اصل و منشأ این نقشمایه مربوط به آسیای غربی در زمان های قدیم

تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران

است. نمونه ی دیگر از این نوع پارچه های نقاشی شده یا چاپی مربوط به ارامنه جلفا در این زمان است که موضوع آن مربوط مسیحیت است. این پارچه پرده ای است با نقش دوازده حواری، که هر یک در زیر یک قوس محرابی شکل، با نشان خاص خود و به سبک شبه بیزانسی و به سادگی نقش شده اند نقوش بر روی این پارچه، قطعاً به شیوه چاپی به وسیله ی قالب ایجاد شده است که به رنگ های قرمز، آبی و بنفش است. نوع دیگری از نقش درخت بر نمونه های دیگری وجود دارد که عمدتاً مربوط به زمان جدیدتر هستند. دو نمونه ی تاریخداری با کیفیتی عالی وجود دارد که به ترتیب یکی مربوط به سال ۱۲۲۸ هجری قمری و دیگری ۱۲۴۱ هجری قمری است.^۱ نقوش این پارچه های تحت تاثیر آسیای شرقی است، با نقش درخت سروی که بر روی تپه های پولک مانند، قرار دارد و در دو طرف آن به صورت قرینه و رو به روی هم دو پرند یا جانور قرار گرفته اند. حاشیه ی این پارچه ها اغلب با نقوش گل به شیوه ی غیر طبیعی و نقش درخت تزئین شده است. رنگ های این پارچه ها نیز عبارت است از قرمز، آبی لاجوردی و زرد زعفرانی.^۲ (همان، ۲۴۶۵).

یک قطعه پارچه دیگر نیز موجود است که دارای تاریخ ۱۲۲۰ هجری قمری است. نقوش این پارچه تا حدی نسبت به نمونه های مذکور

۱. پارچه به تاریخ های ۱۲۲۸ ه.ق و ۱۲۴۱ ه.ق در مجموعه فیلیو موجود هستند.

۲. رنگ های این پارچه از مواد طبیعی تهیه شده است، رنگ آبی لاجوردی از سولفات مس، رنگ قرمز از روناس، رنگ زرد تیره از اسپرک، زرد روشن از پوست انار و رنگ سیاه از آهن در آب جوشیده و برای ثبوت رنگ نیز از زاج استفاده کرده اند علاوه بر این گفته می شود که مشابه این رنگ ها در صنعت رنگرزی برای قالی های پشمی نیز مورد استفاده است.

متفاوت است و دارای نقش یک درخت بزرگ با رنگ های روشن و تزیینات گل و برگ است، که تاحدی شبیه به نقشمایه های هندی است؛ البته در این جا، نقوش بزرگتر و موجدار هستند و روح و ظرافت کار هنرمند ایرانی در این پارچه مشخص است. پارچه مذکور یک سفره ی بزرگ است، البته نه به آن بزرگی که نزد ایرانیان معمول است، چرا که هربرت^۱ از پارچه های به طول چهل ال صحبت می کنند که برابر با حدود ۱۸ متر است؛ در هر صورت این سفره اندازه مناسبی دارد و خیلی جالب است. علاوه بر این، جهانگردان از پارچه های ابریشمی نقاشی شده ایرانی صحبت کرده اند، که یک نمونه ی آن « پرده ی مربع شکل، در مجموعه خانم ویلیام اچ. مور موجود است. با مقایسه ای که از نظر عریض بودن بافت پارچه و همچنین شیوه بافت و نوع نقوش می توان انجام داد، این پارچه از تولیدات یزد باید باشد. چنان که می دانیم تولیدات یزد بسیار جالب و متنوع بودند و پارچه های ابریشمی بافت یزد در تجارت ایران نقش اساسی داشت. این پارچه به نحوی استادانه در تنوع و نقوش و ترتیب جزئیات انجام شده است و نقوش زیبا و جالب را عرضه کرده است. پارچه دارای حواشی پهن است. به طوری که تقریباً بیشتر پارچه را شامل شده است. تنوع نقوش در این حواشی بسیار استادانه و ماهرانه با نظمی خاص اجرا شده و توازن خاصی را در پارچه ایجاد کرده است. این پارچه از نظر طراحی نقوش به طور استثنای جالب و چشمگیر است ولی از نظر فن بافت منحصر به فرد نیست. چنانکه نمونه های دیگری با این روش وجود دارد که یکی آن ها نیز در

^۱. Herbert

مجموعه نویسنده موجود است. این نمونه ها که به شیوه قلمکار تهیه شده است در ضمن تاییدی است بر پارچه ی مجموعه ی مور که آن هم به شیوه قلمکار تهیه شده است، غالباً دارای نقوشی در اندازه بزرگ است. ولی یک نمونه پارچه ی ابریشمی سیاه در مجموعه ی اکرم - پویه ، دارای نقش گل های کوچک به رنگ های قرمز و سبز است که بدون قالب، روی پارچه نقش اندازی شده است. علاوه بر این، هنرمندان ایرانی در اواخر سده ی یازدهم هجری پارچه های تافته، ساتن و کتانی را با طلا و نقره و موم و صمغ رنگین، به صورت تقریباً برجسته، نقش اندازی می کردند. تنها پارچه های ابریشمی به این شیوه تزیین می شد، پارچه های کتانی نیز موجود است که با این روش طلا و نقره و موم تزیین شده اند. بر اساس شیوه متداول و رایج این پارچه ها را می توان منسوب به بیرجند دانست. (همان، ۱۳۶۶)

از قبور ری یک قطعه پارچه ی ابریشمی نسبتاً بهین دو روی (ایکات) موجود در مجموعه ی نگارنده به دست آمده که به طور نامناسبی با لکه های خال مانند قرمز (که به دلیل پوسیدگی رنگ آن رفته) و سبز تزیین شده است. همچنین یک قطعه پارچه ی ابریشمی با رنگ نقاشی شده در موزه هنر های زیبای بوستن موجود است که نقش جانور در داخل قاب مدور دارد و فواصل آن با نقش چهار پرنده، که هر جفت رو به روی هم قرار دارند، به صورت یک در میان با نقش ماهی ی شیری با دست افراشته ترین شده است. پارچه ی دیگری از همین دست در موزه منسوجات لیون (تصویر ۲-۳۳) موجود است که با نقش جانورانی بدون قاعده و تناسب در قاب های مدور تنظیم شده است. دو قطعه پارچه دیگر ، که از همین محل ری به دست آمده و احتمالاً در حمام کارگاه

بافت شده، به سبب تفاوت در شیوه، بیشتر به نظر می رسد که از گروه پارچه های کاشان باشد. یک قطعه از این پارچه ها، که در موزه بوستن است، با نقش گوزنی که به پشت سرش می نگرد در قسمت پایین پارچه، و نقش شاهین هایی در قسمت بالا، تزیین شده است؛ فواصل نیز با همین چهار پرنده رو به روی هم، به طوری که پاهایشان مقابل یکدیگر قرار دارد، پر شده است. این پارچه از نظر جزئیات تزئینی مشابه و قابل مقایسه با پارچه موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن است. این قطعه پارچه خیلی مهم و جالب است، زیرا نام رنگرز، امیرک، روی آن نوشته شده است. ترتیب قرار گرفتن جانوران به شکل نامتقارن همانند پارچه ی موزه لیون است و همگی رو به یک جهت دارند که یادآور تزیینات یک قمقمه ی سفال زرین فام (سده ۱۳م / ۷ هجری قمری) موجود در موزه مترو پولیتن است. قطعه پارچه دیگری که قسمتی از آن در موزه ی هنری دیترویت و قسمت دیگر در موزه کلونی (تصویر ۲-۳۴) است، از نظر ویژگی کاملاً متفاوت است. نقوش به رنگ قهوه ای مایل به ارغوانی است که احتمالاً رنگ اصلی آن سیاه بوده و در اثر مرور زمان به این رنگ در آمده شیوه نقش اندازی آن به این ترتیب بوده که از الگویی، که همه ی نقش های آن با سوراخ مشخص می شده، استفاده شده است، چنان که الگو را روی پارچه گذاشته و سپس نقش اندازی با رنگ انجام شده است و به این ترتیب نقوش حالت نقطه ای شکل دارند. کتیبه ی موجود در حاشیه ی در ترنج خوادنه می شود (توکل علی الله). این پارچه شبیه و در واقع تقلیدی از کی پارچه ی نقش دار است، که مسلماً هر دو در یک کارگاه

تاریخچه چاپ سنتی پارچه در ایران

تهیه نشده اند، زیرا رنگ زمینه ی سیاه(بنفش) و نقش طاووس سفید و بافت مرکب دارد. (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۳۴۰).

در ایران باستان از پارچه هایی با طرح های چاپی استفاده می شد که هنر و شیوه کاربرد آن از کشور های همسایه وارد ایران شده بود. ایرانیان این هنر را همچون دیگر هنر ها به حد کمال رساندند و با ذوق و هنر و طرح ایرانی عجین کرده اند، به نوعی که بعضی از مورخان آن را هنر اصیل ایرانی به حساب می آورند.

www.ketab.ir